

فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، علمی - پژوهشی، شماره اول، بهار ۱۳۹۵

تاریخ‌نگاری ترجمه در ایران: بررسی موردی کتاب *با چراغ و آینه* از منظر تاریخ‌نگاری ترجمه با رویکرد پیم

علی خزاعی فرید (دانشیار مطالعات ترجمه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسؤول)

khzaaeefarid@ferdowsi.um.ac.ir

مرضیه ملک‌شاهی (دانشجوی دکتری مطالعات ترجمه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

Sunday_1983@yahoo.com

چکیده

تاریخ‌نگاری جدید مبتنی بر نظریه، روش و معرفت‌شناسی تحقیق است. این بحث وارد حوزه ترجمه نیز شده است و تا کنون محققان بسیاری در مورد پژوهش تاریخی، مفهوم تاریخ و تاریخ‌نگاری و روش‌شناسی آن سخن گفته‌اند و با پیشنهاد و ترویج رویکردهای مختلف تاریخ‌نگاری به غنی‌سازی این حوزه پرداخته‌اند. در این میان نظرات آنتونی پیم (۱۹۹۲) در این زمینه در خور توجه است. به اعتقاد پیم متونی که عموماً آن‌ها را متونی درباره تاریخ ترجمه می‌دانیم در واقع بیشتر در حوزه نقد تاریخی یا بایگانی‌شناسی قرار می‌گیرند و نه به‌طور مطلق در حوزه تاریخ‌نگاری (پیم، ۱۹۹۲). به اعتقاد پیم نه نقد و نه بایگانی‌شناسی هیچ‌کدام نمی‌توانند فرضیاتی مطرح کنند که با پویایی و تغییر در ارتباط باشد. هر دوی آن‌ها از تبیین و تشریح تغییر، چیزی که در پژوهش تاریخی حرف اول و آخر را می‌زند، ناتوانند. به زعم وی این نقیصه از این نشئت می‌گیرد که محققان دقیقاً نمی‌دانند به دنبال چه هستند و چگونه می‌خواهند به آن دست یابند. از این رو تاریخ‌نگاری ترجمه غالباً به‌صورت کلی و بدون پرداختن به جزئیات انجام می‌گیرد و به همین علت نهایتاً فهرستی از اطلاعات ارائه می‌شود بی‌آنکه مبتی بر پایه و اساس علمی به‌ویژه آزمودن فرضیه‌های ابطال‌پذیر باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی کتاب *با چراغ و آینه*: در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران اثر محمد رضا شفیعی کدکنی، از منظر تاریخ‌نگاری ترجمه با رویکرد پیم است. بررسی این کتاب نشان داد که کدکنی با استناد به مستندات بسیاری، از روش‌های حکایت‌وار مورد نکوهش پیم دوری جسته و بر نقش فعال ترجمه و مترجمان در فرآیند تغییر تأکید می‌کند، همچنین با تأکید بر فرهنگ مبدأ و زبان‌هایی که

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۳۰

ترجمه‌ها از آن‌ها صورت می‌گیرد، از ایرادها‌ی وارد شده بر مدل‌های سیستمی توسط پیم که بیشتر بر فرهنگ مقصد تأکید می‌کند، دوری جسته است، به طوری که می‌توان گفت روش کدکنی به دلایل زیر تا حد بسیار زیادی به مدل تاریخ‌نگاری مورد نظر پیم نزدیک است.

- پاسخ‌دادن به یک مسئله خاص (تحول شعر معاصر فارسی)
 - مبتنی بودن بر شواهد مستند و مستدل
 - توصیف مترجمان به عنوان عوامل بالقوه تغییر و تحول تاریخی
 - تأکید بر فرهنگ مبدأ
 - توجه به جایگاه بینا فرهنگی مترجمان
 - به کارگیری فرضیه‌های روش‌شناختی که قابلیت ابطال‌پذیری دارند
- کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نگاری، بایگانی‌شناسی، نقد تاریخی، تاریخ ترجمه.

۱. تاریخ

تاریخ با همه آنچه انسان‌ها در گذشته گفته و به آن اندیشیده‌اند، همه آنچه که بدان عمل کرده یا تحمل نموده‌اند و آثاری از آن به‌جا نهاده‌اند، سرو کار دارد و آن را از منظر تغییر و تحول و خاص بودن بررسی می‌کند (آلتون، ۱۳۸۶، ص. ۲۲). از نظر آلتون جریان وقایع وقتی تبدیل به تاریخ می‌شود که انسانی متفکر آن را تفسیر نماید (همان، ص. ۴۰). با وجود این، عموماً چنین پنداشته می‌شود که تاریخ گزارشی بی‌کم‌وکاست از وقایعی است که در گذشته اتفاق افتاده است و مطالعه تاریخ برابر است با جستجوی حقیقت. اما آیا برآستی جستجوی حقیقت تاریخی امکان‌پذیر است؟ در نقل دانش تاریخی از رویکردهای مختلفی استفاده می‌شود که اساس همه آن‌ها تلاش برای بازیابی و بازنمایی گذشته در زمان حال است. آلون مانسلو (۱۹۹۷، به نقل از بانديا، ۲۰۰۶، ص. ۴۷) این رویکردهای مختلف را زیر سه مقوله اصلی دسته‌بندی می‌کند: الف) رویکردهای بازسازی‌گرایانه^۱ که بر نظریه تطابق تجربه‌گرایی استوار است و ریشه در این باور دارد که حقیقت تاریخی را می‌توان مستقیماً از منابع دست اول استخراج کرد. در اینجا چنین استنباط می‌شود که مورخ می‌تواند وقایع تاریخی را به‌طور

1. Reconstructionism

عینی و بدون کم و کاست نقل کند؛ ب) رویکردهای ساخت و سازگرایانه^۱ که اساساً نوعی بازسازی‌گرایی است، با این تفاوت که به ضعف نظریه تطابق تجربی اذعان دارد و ج) رویکردهای ساختارشکن‌گرایانه^۲ که بر تفکر پست‌مدرن استوار است. تاریخ ساختارشکنانه مفروضات سنتی تجربه‌گرایی را که به تحلیل عینی، بی‌طرفانه و حقیقی قائل است به چالش کشیده و تاریخ مکتوب را حاصل تفاسیر فرهنگ‌بند و وابسته به قدرت می‌داند (بان‌دیا، ۲۰۰۶، ص. ۴۶-۴۷).

این رویکرد تاریخی که در اواخر قرن بیستم رونق گرفت در واقع واکنشی بود به دیدگاه‌های سنتی درباره تاریخ که تاریخ‌نگار را مشاهده‌گری بی‌طرف می‌دانستند که صرفاً به نقل و انتقال «حقایق» می‌پردازد؛ «حقایقی» که منطبق با رویدادهای تاریخی هستند. از دید تاریخ‌نگار ساختارشکن «حقایقی» که به‌عنوان شواهد ارثه می‌شوند به خودی خود بی‌معنا هستند مگر آنکه تاریخ‌نگار دست به تفسیر آن‌ها بزند (همان، ص. ۴۸).

به عقیده مانسلو (۲۰۰۱، ص. ۲) ماهیت واقعی تاریخ زمانی روشن می‌شود که آن را نه به‌صورت گزارشی عینی و بی‌طرفانه از حقیقت تاریخی بلکه به‌عنوان روایتی که تاریخ‌نگار از وقایع تاریخی به‌دست می‌دهد ببینیم. مانسلو این آگاهی و درک از تاریخ را آگاهی ساختارشکنانه می‌نامد و تأکید می‌کند که این نوع ساختارشکنی با ساختارشکنی مورد نظر دریدا متفاوت است. این آگاهی ساختارشکنانه تاریخ را نوعی روایت مکتوب (یعنی محصول متنی تاریخ‌نگار) می‌داند. به زعم مانسلو تاریخ اساساً ماهیتی روایی دارد؛ چرا که به‌هنگام گزارش تاریخ محتوای آن را به‌صورت رویدادهایی پشت سر هم نقل می‌کنیم. تاریخ برابر با گذشته به همان شکلی که اتفاق افتاده نیست، بلکه تاریخ یعنی اطلاعاتی که تاریخ‌دانان از گذشته ارائه می‌دهند (همان).

اگر چه پیم هیچ‌گاه به‌طور مستقیم به دیدگاه‌های پست‌مدرن در حوزه تاریخ‌نگاری اشاره نمی‌کند، روشی که وی برای تاریخ‌نگاری در حوزه ترجمه پیشنهاد می‌دهد، بسیار به این دیدگاه‌ها نزدیک است. وی برای تاریخ‌نگاری سه سطح قائل است. این سه سطح عبارتند از:

1. Constructionism
2. Deconstructionism

فهرست‌نگاری، نقد تاریخی و تفسیر. وی تاریخ را چیزی فراتر از فهرست‌نگاری و نقد تاریخی می‌داند و این دو را در واقع مراحل مقدماتی می‌داند برای تاریخ‌نگاری واقعی که همان تفسیر است. تأکید وی بر اهمیت تفسیر در تاریخ‌نگاری، دیدگاه وی را به دیدگاه‌های تاریخ‌نگاری پست‌مدرن نزدیک می‌کند. در ادامه مقاله دیدگاه وی در حوزه تاریخ ترجمه به‌طور مفصل بحث می‌شود.

۲. تاریخ و تاریخ‌نگاری در مطالعات ترجمه

هنگامی که سخن از تاریخ ترجمه به میان می‌آید، با دو مفهوم تاریخ و تاریخ‌نگاری مواجه می‌شویم. لمبرت (۱۹۹۳، ص. ۴، به نقل از لوپز و پینلیا، ۲۰۱۳) بین تاریخ و تاریخ‌نگاری تمایز قائل می‌شود؛ به عقیده وی مقصود از تاریخ غالباً نقل حوادث تاریخی است و تاریخ‌نگاری مربوط به گفتمان تاریخ‌نگار یا مورخ است. جودیت وودورث (۱۹۹۵) هم معتقد به این تمایز است. به نظر وی تاریخ شامل روایت حوادث گذشته است در حالی که تاریخ‌نگاری گفتمانی است که در مورد داده‌های تاریخی به کار می‌رود و در چارچوب اصول خاصی پی‌ریزی و تحلیل می‌شود. به نظر می‌رسد که تمایز مطرح‌شده بین تاریخ و تاریخ‌نگاری با تمایزی که مانسلو بین تاریخ‌نگاری مدرن و پسامدرن قائل می‌شود شباهت بسیاری دارد.

به گفته دولست (به نقل از باستین و بانديا، ۲۰۰۶، ص. ۴) «تاریخ ترجمه در مقایسه با دیگر انواع پژوهش در مطالعات ترجمه کمتر مورد توجه قرار گرفته است». در واقع نادیده انگاشتن گذشته و همچنین ضعف پایه‌های نظری که پژوهش تاریخی بر آن استوار است باعث ایجاد نوعی «تأخیر» در رشته مطالعات ترجمه در مقایسه با رشته‌های مرتبط شده است که اکنون مطالعات ترجمه سعی دارد از آن رهایی یابد (دولست، ۲۰۰۱). مطالعات اخیر نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌هایی که در گذشته در حوزه تاریخ ترجمه صورت گرفته است مربوط به کشورهای جهان اول و صرفاً توصیفی است، به این صورت که در این مطالعات صرفاً به نقل حوادث و حقایق تاریخی پرداخته شده است. اما در سال‌های اخیر چرخشی در مطالعات تاریخی ترجمه صورت گرفته است به‌طوری که پژوهش‌های تاریخی بر تفسیر حوادث و حقایق و براساس نوعی متدولوژی که ریشه در تاریخ‌نگاری دارد، مبتنی شده است.

آنتونی پیم از جمله اندیشمندان مطرح در حوزه مطالعات ترجمه است که نظرات ارزشمندی در زمینه تاریخ‌نگاری ترجمه ارائه کرده است؛ به اعتقاد وی تاریخ و تاریخ‌نگاری هر دو به مفهومی واحد اشاره دارند: تاریخ ترجمه (یا تاریخ‌نگاری) شامل مجموعه‌ای از گفتمان‌هاست که بیان‌کننده تغییراتی است که در حوزه ترجمه روی داده یا از بروز آن‌ها جلوگیری شده است (پیم، ۱۹۹۲).

پیم (۱۹۹۲) تاریخ ترجمه را به سه حوزه تقسیم می‌کند:

۱. فهرست‌نگاری تاریخی ترجمه: در این بخش به سؤال‌های زیر پاسخ داده می‌شود.

- چه کسی ترجمه کرده است؟
- کجا و در چه زمانی ترجمه کرده است؟
- چه متونی و چگونه ترجمه شده‌اند؟
- ترجمه برای چه مخاطبی صورت گرفته است؟
- و چه تأثیری بر جا نهاده است؟

در این بخش اطلاعات به صورت فهرست یا کاتالوگ ارائه می‌گردد.

۲. نقد تاریخی: مجموعه‌ای از گفتمان‌هاست که نقش متون ترجمه‌شده را در ایجاد تحول یا ممانعت از آن ارزیابی می‌کند. در اینجا روابط بینامتنی بررسی می‌شود و به سؤالاتی پاسخ داده می‌شود که با «چگونه» آغاز می‌شود و هدف از واکاوی روابط بینامتنی اطلاق ارزش اخلاقی یا زیباشناختی به فرضیه‌های تاریخی است.

۳. تفسیر: در این سطح از تاریخ ترجمه سعی بر یافتن این است که چرا ترجمه‌ها در یک زمان و مکان خاص رخ داده‌اند و چه نقشی در ایجاد تغییرات داشته‌اند. فهرست‌نگاری تاریخی و نقد تاریخی غالباً با خود حقایق و متون سروکار دارند، اما در سطح تفسیر به علیت این داده‌ها پرداخته می‌شود؛ به‌ویژه علیتی که از درون روابط قدرت سرچشمه می‌گیرد. در اینجا مترجمان عامل اجتماعی مؤثر به‌شمار می‌آیند (پیم، ۱۹۹۲).

به اعتقاد پیم اگرچه هم فهرست‌نگاری تاریخی و هم نقد تاریخی تقریباً با آنچه که گروه گوتینگن به تاریخ برونی و درونی ترجمه تعبیر می‌کند، مطابقت دارند، هیچ‌کدام از آن‌ها را

نمی‌توان به معنای واقعی کلمه تاریخی دانست مگر اینکه پاسخی درخور به پرسش‌هایی از این دست بدهند که «چرا این متن؟» (و نه متن‌های دیگر)، «چرا اینگونه؟» (و نه به شیوه‌ای دیگر؟) و «با چه پیامدهای واقعی؟».

از دیدگاه پیم فهرست‌نگاری تاریخی می‌تواند انگیزه‌های (علت‌های) حدسی و غیرقابل اثباتی را که به‌طور غیرمستقیم با این پرسش‌ها مرتبطند، آشکار کند و چه بسا که نقد بینش نظری فراتری فراهم آورد اما هیچ‌کدام قادر نیستند فرضیه‌ها و مسائلی مطرح کنند که به‌طور دقیق با پویایی و تغییر مرتبط باشد. هیچ‌کدام قادر نیستند که در میان انبوه داده‌های جمع‌آوری شده و بی‌جهت به این پرسش تاریخی پاسخ دهند که «چرا؟».

با توجه به تقسیم‌بندی فوق پیم معتقد است متونی که عموماً آن‌ها را متونی درباره تاریخ ترجمه می‌دانیم در واقع بیشتر در حوزه نقد یا فهرست‌نگاری تاریخی قرار می‌گیرند و نه به‌طور مطلق در حوزه تاریخ‌نگاری (پیم، ۱۹۹۲). به زعم وی این مسئله از این نشئت می‌گیرد که محققان دقیقاً نمی‌دانند به دنبال چه هستند و چگونه به آن می‌رسند. از این رو تاریخ‌نگاری ترجمه غالباً به‌صورت کلی و بدون پرداختن به جزئیات نگاشته و نهایتاً فهرستی از اطلاعات ارائه می‌شود بی‌آنکه مبتی بر پایه و اساس علمی به‌ویژه آزمودن فرضیه‌های ابطال‌پذیر باشد. آنچنان که پیم (۱۹۹۲) در مقاله خویش تحت عنوان «کاستی‌های تاریخ‌نگاری ترجمه» بیان کرده است، کاستی‌های زیر در تاریخ‌نگاری‌های ترجمه دیده می‌شود:

• جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت بایگانی که به‌طور مشخص به هیچ مسئله خاصی پاسخ نمی‌دهد؛

• مبتنی بودن بر روایت شواهد و اطلاعات به‌صورت خاطره؛

• دوره‌بندی تقویمی و بدون تمیز؛

• نادیده‌انگاشتن مترجمان به‌عنوان عوامل بالقوه تغییر و تحول تاریخی؛

• ارجحیت (تفوق) فرهنگ مقصد؛

• به‌کارگیری فرضیه‌های روش‌شناختی که قابلیت ابطال‌پذیری ندارند؛

• نادیده‌انگاشتن جایگاه بین فرهنگی مترجمان.

پیم (۱۹۹۸) تاریخ ترجمه را چیزی فراتر از فهرست‌نگاری تاریخی و نقد تاریخی می‌داند و یافتن پاسخ برای سؤالات چرایی را در گرو «روش‌شناسی» مناسب می‌داند که جزئیات آن را به صورت کتابی تحت عنوان روش در تاریخ ترجمه بیان کرده است. پیم (همان، ص. ix-xi) در دیباچه کتاب مذکور ۴ اصل را برای انجام پژوهش در حوزه تاریخ ترجمه ضروری می‌داند: توجه به علیت، تأکید بر مترجم به عنوان عامل انسانی، ارائه فرضیه مبتنی بر تعلق بین‌فرهنگی، ارجحیت زمان حال.

۳. تاریخ‌نگاری ترجمه در ایران

تاریخ‌نگاری ترجمه به صورت هدفمند و در چارچوب روش‌های دقیق و علمی امری نو است که از این منظر غرب همچنان پیشتاز بوده است. اگرچه تاریخ ترجمه فارسی، غنی و سرشار از مصالح و مواد متنوع تاریخی است، متأسفانه پژوهش‌های تاریخی ترجمه در زبان فارسی از پشتوانه نظری استواری برخوردار نیست. در بسیاری از کتب تاریخ ادبیات به تاریخ ترجمه نیز اشاره شده است، اما اینگونه پژوهش‌های تاریخی چندان نظام‌مند و مبتنی بر دیدگاه‌های فلسفی و نظری نیست. همسو کردن نگاه‌های کلان‌نگر فلسفی با پژوهش‌های جزئی و خردنگر ترجمه از ضرورت‌های تحقیق در حوزه تاریخ ترجمه است. نوشته‌هایی که در مورد تاریخ ترجمه در اغلب کتب تاریخ ادبیات یافت می‌شود غالباً تکراری و از نوع فهرست‌نگاری و نقد تاریخی است؛ و تقریباً تمام کاستی‌هایی که پیم به آن‌ها اشاره کرده است در این تاریخ‌نگاری‌ها مشهود است.^۱ شاید بتوان از میان کتب تاریخ ادبیاتی که به تاریخ ترجمه نیز پرداخته‌اند کتاب *با چراغ و آینه: در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران* را جزء معدود کتاب‌هایی دانست که تا حدود بسیار زیادی بر روش تاریخ‌نگاری مورد نظر پیم مبتنی است. هدف پژوهش حاضر بررسی کتاب *با چراغ و آینه: در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران* اثر محمدرضا شفیعی کدکنی، از منظر تاریخ‌نگاری ترجمه مورد نظر پیم است. قبل از پرداختن به این موضوع ذکر چند نکته ضروری است. همان‌طور که پیش از این گفته شد پیشنهادهایی که پیم برای نوشتن تاریخ ترجمه مطرح می‌کند

۱. در مقاله ای دیگر با عنوان "تاریخ‌نگاری ترجمه در ایران" به این موضوع پرداخته شده است.

ریشه در مطالعات تاریخ‌نگاری دارد، هر چند که پیم مستقیماً به آن‌ها اشاره‌ای نمی‌کند. اگرچه یافتن ریشه‌های این پیشنهادها در مطالعات تاریخی به درک بهتر آن‌ها می‌انجامد، در حوصله این جستار نمی‌گنجد و نیازمند بحث جداگانه‌ای است. هدف پژوهش حاضر تأیید یا رد روش تاریخ‌نگاری پیشنهادی پیم از طریق بررسی کتاب *با چراغ و آینه* یا سنجش میزان علمی بودن کار کدکنی بر اساس معیارهای پیشنهادی پیم نیست. نکته‌ای که باعث جلب توجه نگارندگان این مقاله شد این است که شیوه تاریخ‌نگاری کدکنی تا حد بسیار زیادی با معیارهای پیشنهادی پیم مطابقت دارد، بی‌آنکه بتوان دلیل یا شاهی برای رد و تأیید آشنایی و یا عدم آشنایی کدکنی با روش پیشنهادی پیم در کتاب *با چراغ و آینه* پیدا کرد یا اینکه نگارندگان این مقاله خواسته باشند در این رابطه ادعایی را به اثبات رسانده باشند. آنچه بیشتر در این مقاله مورد نظر است کارکردهای متفقی است که در بسترهای متفاوت تاریخی و فرهنگی به انجام رسیده است. شاید در ناگفته‌های این متن این مسئله روی بنماید که روش پیشنهادی پیم پیش از او عملاً در کارکرد بسیاری از نویسندگان اتفاق افتاده باشد، بی‌آنکه آن‌ها این روش را دسته‌بندی و یا نام‌گذاری کرده باشند. اینک آیا این سؤال پیش نمی‌آید که آنچه به تأخیر افتاده است، صرفاً نام‌گذاری این کارکرد است که با تأخیر توسط نظریه‌پردازانی چون پیم انجام شده است؟

۴. مطالعه موردی کتاب *با چراغ و آینه*

بررسی این کتاب نشان می‌دهد که کدکنی با استناد به مستندات بسیاری از مطالب حکایت‌وار مورد نکوهش پیم دوری جسته و بر نقش فعال ترجمه و مترجمان در فرآیند تغییر تأکید می‌کند. همچنین با تأکید بر فرهنگ مبدأ و زبان‌هایی که ترجمه‌ها از آن‌ها صورت می‌گیرد، از ایرادات وارد شده بر مدل‌های سیستمی توسط پیم که بیشتر بر فرهنگ مقصد تأکید می‌کنند، دوری جسته است و به‌طور کلی می‌توان گفت که روش کدکنی به دلایل زیر تا حد بسیار زیادی با مدل تاریخ‌نگاری مورد نظر پیم هماهنگی دارد.

- پاسخ‌دادن به یک مسئله خاص (تحول شعر معاصر فارسی)
- مبتنی‌بودن بر شواهد مستند و مستدل
- توصیف مترجمان به‌عنوان عوامل بالقوه تغییر و تحول تاریخی
- تأکید بر فرهنگ مبدأ
- توجه به جایگاه بینا فرهنگی مترجمان

• به‌کارگیری فرضیه‌های روش‌شناختی که قابلیت رد و اثبات دارند.

در ادامه مقاله تک‌تک این موارد بررسی خواهند شد:

۴. ۱. پاسخ‌دادن به یک مسئله خاص

همان‌طور که گفته شد تاریخ‌نگاری از نظر پیم صرفاً به معنای پرداختن به گذشته و گذشتگان به‌منظور بایگانی کردن انبوهی از اطلاعات نیست، بلکه تاریخ‌نگار باید به پرسش‌های خاصی هم پاسخ دهد. به زعم پیم (۱۹۹۸) دلایل پرداختن به تاریخ را باید در زمان حال جستجو کرد. پرداختن به تاریخ ترجمه به‌منظور بیان و حل مشکلات و موضوعاتی که بر شرایط حال حاضر تأثیرگذارند، صورت می‌گیرد. این بدین معنا نیست که خود را به درون گذشته پرتاب کنیم. بالعکس، پرداختن به گذشته باید برای پاسخگویی به سؤالات کنونی و ارائه مقوله‌ها و راه‌حل‌های بالقوه‌ای باشد که پیش از آن به ذهن خطور نکرده است. بنابراین در روشی که پیم پیشنهاد می‌کند همچنان اطلاعات گذشته مورد استفاده قرار می‌گیرد با این تفاوت که در این روش تاریخ‌نگار مصرف‌کننده صرف و ساکت این اطلاعات نیست. در این روش تاریخ‌نگار ترجمه متون گذشته را دست‌مایه قرار می‌دهد تا برای اکنون ترجمه راه‌کارهایی ارائه دهد.

کتاب *با چراغ و آینه* در نگاه اول مانند اغلب کتاب‌هایی که درباره تاریخ ادبیات نوشته شده است، پرداخت و طبقه‌بندی و نقل موضوعاتی است که در بستری خاص بر ادبیات (اعم از تألیف و ترجمه) گذشته است. لذا در نگاه اول چنین به‌نظر برسد که کدکنی در این کتاب صرفاً به بررسی تحول شعر معاصر فارسی از رهگذر ترجمه در طول صد سال اخیر پرداخته است، بدون اینکه این واکاوی‌ها، به غیر از آگاهی‌بخشی تاریخی که کارکرد ابتدایی هر متن تاریخی‌ای است، دردی را از شاعران، مترجمان و به‌طور کلی مخاطبان و فعالان حوزه ادبیات و بلاخص شعر دوا کند. اما بررسی و تأمل بیشتر نشان می‌دهد که کدکنی علاوه بر این آگاهی‌بخشی اولیه که بسیار پرفایده هم هست، مخاطب را به بطن مسئله‌ای می‌کشاند که یکی از مهم‌ترین مسائل کنونی در حوزه شعر امروز و به‌طور کلی در حوزه ترجمه شعر است. اگر نگاهی گذرا به تاریخ دیدگاه‌های مطرح شده درباره ترجمه شعر بیندازیم، به مهجوریت ترجمه شعر در قیاس با دیگر حوزه‌های ترجمه ادبی پی‌خواهیم برد، تا به آنجا که برخی ترجمه شعر

را گناه دانسته‌اند. حتی امروزه در زبان فارسی هم در قیاس با ترجمه ژانرهایی از قبیل رمان و نمایش‌نامه، ترجمه شعر بسیار در حاشیه و مهجور واقع شده است به طوری که مترجمان بنام ادبی کمتر وارد این حوزه شده و این حوزه بسیار مهم عملاً به کسانی واگذار شده است که آشنایی اندکی با زبان‌های خارجی و سبک‌های شعری آن شاعران دارند. همان‌طور که کدکنی (۱۳۹۰، ص. ۶۹۷) به درستی خاطر نشان می‌سازد «از آنجا که اکثریت مترجمان شعر فرنگی در این یک‌صد سال کمتر توانسته‌اند ظرایف اصلی شعر برجسته فرنگی را در ترجمه خویش ارائه کنند، تصویری که 'شاعران' عصر ما از شعر فرنگی دارند چیزی است در حد یک ترجمه خشک و خالی که غالباً به یاری یک 'فرهنگ حیم' پرداخته شده است». کدکنی در سراسر کتاب خود به اهمیت ترجمه شعر در شکل‌گیری شعر معاصر فارسی می‌پردازد به طوری که در مقدمه کتاب خویش (همان، ص. ۲۶) می‌گوید «عنوان دوم کتاب را می‌خواستم 'جای پای شعر فرنگی در تحول شعر معاصر ایران' قرار دهم تا بتواند بخش اصلی هدف و نیز محتویات کتاب را، تا حدودی، آینگی کند، اما به پیشنهاد بعضی دوستان صرف نظر کردم». اگرچه نمی‌توان دلیل پیشنهاد «بعضی دوستان» را دانست، اما می‌توان حدس زد که با مهجوریت ترجمه شعر و دیدگاهی که می‌کوشد نقش آن را در تحولات شعر معاصر نادیده بگیرد، بی‌ارتباط نیست. کدکنی با قائل شدن نقشی فعال برای ترجمه شعر از دوران مشروطه تاکنون و لزوم توجه بیشتر به این حوزه در دوران معاصر، ترجمه شعر را از انزوای تاریخی خود بیرون کشیده و تا زمان حال کشانده است.

۲.۴. مبتنی‌بودن بر شواهد مستند و مستدل

کدکنی در بحث درباره تأثیر ترجمه در تحول شعر معاصر، به کلی‌گویی بسنده نکرده و در فصول مختلف کتاب، زیر عناوین مختلفی جنبه‌های گوناگون این تأثیرات را با ارائه شواهد و مستندات بیان می‌کند. وی به‌ویژه در دو فصل با عناوین «جای پای شعر فرنگی» و «دگرگونی ساخت و صورت‌ها» جنبه‌های گوناگون این تأثیر را با ذکر سند و مثال می‌کاود. کدکنی در این فصل پس از مقدمه‌ای کوتاه و به قول پیم «حکایت‌وار» با بررسی تأثیر ترجمه فرنگی بر ذهنیت شاعران و نویسندگان ایرانی و ادیبان فارسی در یک قرن گذشته، ردپای این تغییرات را در آثار شاعران معاصر می‌کاود. در این مقدمه کوتاه و حکایت‌وار وی سخن از تغییر ذهنیت و نگاه

شاعران معاصر ایرانی در اثر آشنایی با آثار ادبی فرنگی می‌پردازد و برای نمونه به تفاوت بین دو شاعر فارسی‌زبان که در فاصله کمتر از یک قرن از هم می‌زیسته‌اند، می‌پردازد و می‌گوید:

اگر یک مصراع یا سطر از شعر فروغ فرخزاد را در کتاب *تولد*ی دیگر، به‌طور فال و قرعه‌کشی برداریم و در کنار یک مصراع از شعر ادیب‌الممالک بگذاریم هرکس اندکی با مفهوم زبان و شعر و ادبیات و فرهنگ آشنایی داشته باشد، این دو نمونه‌سختن پارسی را از دو عالم کاملاً جدا از هم و از دو دنیای متفاوت احساس خواهد کرد...

چه چیزی سبب شده است که در فاصله کمتر از یک قرن این همه تفاوت در شعر و زندگی دو شاعر ظهور کند؟ پاسخ بسیار روشن است و قاطع: بهره‌وری از فکر و فرهنگ و هنر فرنگی در فروغ، بی‌بهرگی از این زندگی و فرهنگ در شعر ادیب‌الممالک...

یک قرن لازم بوده است تا این تحول ریشه در فکر و زندگی متجددانه ما بدواند و برگ و بار دهد. این خود چیزی نبوده است مگر ترجمه ادبیات فرنگی به زبان فارسی (کدکنی، ۱۳۹۰، ص. ۱۴۰-۱۴۱).

برخلاف بسیاری از نگارندگان تاریخ ادبیات، کدکنی به این مطالب حکایت وار بسنده نمی‌کند و پیشینه ترجمه شعر فرنگی در مطبوعات صد سال اخیر و تاثیرات این ترجمه‌ها را به‌طور مفصل بررسی می‌کند. کدکنی (همان، ۱۴۳-۱۴۴) این تاثیر را به ترتیب در سه حوزه مضمون یا فکر و موضوع، تصاویر و ایماژها و نهایتاً زبان می‌داند و معتقد است که گام به گام تحولات شعر فارسی با تحول نوع ترجمه‌ها هماهنگی کامل دارد.

کدکنی (همان، ۱۴۴) نشریاتی را که به ترجمه شعر فرنگی اهتمام کرده‌اند و بیش و کم در تحول شعر فارسی مؤثر بوده‌اند به چند گروه یا چند دوره تقسیم‌بندی کرده است: «دوره بعد از صدور فرمان مشروطیت تا حدود کودتای ۱۲۹۹ و سپس دوره بیست‌ساله پهلوی اول که تا ۱۳۲۰ ه.ش. ادامه یافته است. دوره سوم عصری است که با سقوط پهلوی اول و پایان جنگ جهانی دوم و عوارض حاصل از آن آغاز می‌شود و تا کودتای ۱۳۳۲ را فرا می‌گیرد. دوره بعد از کودتا تا فروپاشی نظام سلطنت را نیز می‌توان دوره پایانی این بحث به شمار آورد.» کدکنی پس از این تقسیم‌بندی سیاسی به مجلات مهم هر دوره که سهمی در ترجمه و معرفی شعر

فرنگی داشته‌اند، می‌پردازد و محتوای آن مجلات را از حیث ترجمه اشعار فرنگی و تأثیر آن بر شاعران هر دوره با ذکر نمونه و سند می‌کاود. در فصل «دگرگونی ساخت و صورت‌ها» نیز، تحت عناوین مختلفی به بررسی جنبه‌های گوناگون تأثیرات ترجمه شعر فرنگی در تحول شعر معاصر فارسی پرداخته است. این عناوین عبارت‌اند از:

- نخستین ترجمه‌ها؛
- نهضت ترجمه؛
- آغاز ترجمه شعر فرنگی؛
- تأثیر زبان‌های فرنگی؛
- اثر ادبیات فرانسه در فارسی؛
- ظهور اسطوره‌های یونانی و رومی؛
- دگرگونی رمزها در شعر فارسی؛
- رابطه ترجمه و تغییر سبک‌ها؛
- تأثیرات بلاغت شعر فرنگی؛
- توراتیات؛
- مراحل تحول در زبان شعر؛
- بیانیه‌های شعری؛
- تحول بیانیه‌ها در ارتباط با ترجمه؛
- تأثیر شعرای اروپایی؛
- درباره زبان شعر امروز.

۴. ۳. توصیف مترجمان به‌عنوان عوامل بالقوه تغییر و تحول تاریخی

تأکید بر نقش فعال مترجمان بیشتر در تقابل با نظریه‌های سیستمی اهمیت خود را نشان می‌دهد. در نظریه‌های سیستمی نظام مقصد به‌تنهایی تعیین‌کننده تمام اتفاقاتی است که در عرصه ترجمه رخ می‌نماید. در واقع، طبق این نظریه، نظام مقصد تعیین می‌کند که چه آثاری و چگونه ترجمه شوند. اما بنا بر اصل دومی که پیم (۱۹۹۸) در تاریخ‌نگاری مطرح می‌کند موضوع اصلی دانش تاریخی نه متن ترجمه، نه نظام بافتی آن و نه حتی ویژگی‌های

زبان‌شناختی است. موضوع اصلی دانش تاریخی باید مترجم باشد؛ چرا که فقط انسان است که مسئولیتی متناسب با علیت اجتماعی دارد. تنها از طریق مترجمان و ملازمان اجتماعی آنان (مشتریان، حامیان و مخاطبان) است که می‌توانیم دریابیم که چرا در یک زمان و مکان خاصی، ترجمه خاصی صورت گرفته است. برای دانستن علت وقوع ترجمه‌ها، باید به افرادی که درگیر ترجمه‌ها بوده‌اند، توجه کنیم. کدکنی همه‌جا به نقش مترجمان در تغییر و تحول شعر فارسی و نقش دیگر عوامل انسانی در صدور بیانیه‌هایی در لزوم تغییر و تحول در شعر فارسی اشاره می‌کند. آن‌طور که از گفته‌های کدکنی برمی‌آید، به نظر می‌رسد که وی بیش از آنکه به نقش نظام ادبی در تعیین هنجارهای ترجمه اهمیت دهد بر نقش عوامل انسانی از جمله مترجمان و ادیبانی که با فرهنگ غرب در تماس بوده‌اند، تأکید می‌کند.

نکته جالب توجه این است که کدکنی پس از پرداختن به مجلات هر دوره در فصل «جای پای شعر فرنگی» ذیل عنوان «کوششگران راه» به معرفی مترجمان اشعار فرنگی می‌پردازد و این بخش را این‌گونه آغاز می‌کند:

در مروری که به مجلات ادبی ناشر شعر فرنگی، در ادوار چارگانه، از فرمان مشروطیت تا دوره چهارم مورد بحث ما، که به سال‌های دهه چهل و پنجاه شمسی می‌رسد، داشتیم، در نمونه‌های شعری مورد توجه مترجمان و این که در هر دوره‌ای به تدریج سلیقه‌های مترجمان چگونه عوض شده است و این تحول، به‌طور مستقیم، روی دگرگونی‌های شعر متجدد ایران چگونه اثر گذاشته است - از تأثیر در مسائل تربیتی و اخلاقی فابل‌های فرنگی تا تأثیر بر طرز نگاه شاعران به زندگی و طبیعت و نوع تصاویر ایشان و حتی زبان شعری این شاعران. اینک مروری دیگر خواهیم داشت به همان مسائل از چشم‌انداز دیگری، یعنی از منظر کوشش‌های فردی شاعران و مترجمان در نسل‌های مختلف برای نشان‌دادن میزان حضور شعر فرنگی در تحول سلیقه شاعران قرن بیستم (کدکنی، ۱۳۹۰، ص. ۱۹۹).

در این قسمت کدکنی به ذکر نام و پیشینه و فعالیت شاعران و مترجمانی می‌پردازد که با معرفی آثار فرنگی باعث تغییر مضمون، تصاویر و زبان شعر فارسی شدند. چه بسا که بسیاری از این اطلاعات در قسمت معرفی مجلات آمده باشد اما نکته قابل توجه تأکیدی است که در

این قسمت بر روی عوامل انسانی درگیر ترجمه شده است، چیزی که پیم آن را در تاریخ‌نگاری ترجمه بسیار مهم می‌داند.

۴.۴. تأکید بر فرهنگ مبدأ

بر خلاف نظریه‌های سیستمی، در مدل پیم تأکید بیشتر بر روی فرهنگ مبدأ است. به اعتقاد پیم فرهنگ مقصد خود نمی‌تواند به‌تنهایی عامل تغییر باشد. به گفته پیم (۱۹۹۲) هولمز بر این باور است که مترجمان به‌علت وجود شرایط خاصی در فرهنگ مقصد، به شیوه‌ای خاص ترجمه می‌کنند. آنچه که برای هولمز اهمیت دارد این است که ترجمه‌ها را می‌توان در چارچوب بافت تاریخی‌شان توضیح داد. در واقع طبق نظریه‌های سیستمی، ترجمه‌ها داده‌هایی هستند که به‌طور بالقوه بافتی را که در آن قرار دارند توضیح می‌دهند. همان‌طور که پیم (۱۹۹۲) می‌گوید معمولاً چنین پنداشته می‌شود که نقش ترجمه‌ها ارائه دانش یا بیان روابط است. در نتیجه ترجمه‌ها معلولی به‌شمار می‌روند که علت آن را باید در بافت زبان، ادبیات یا فرهنگ جستجو کرد. پیم به چنین برداشتی از نقش ترجمه قائل نیست و معتقد است که مترجمان برای بیان روابط موجود بین فرهنگ‌ها دست به ترجمه نمی‌زنند، بلکه بیشتر هدف آن‌ها معرفی عناصر جدید و تغییر حداقل یکی از فرهنگ‌ها و تصویر فرهنگ دیگر و در نهایت تغییر روابط بین فرهنگی موجود است. از نظر پیم ترجمه‌ها علت نسبی تغییرات تاریخی نسبتاً بزرگ هستند، اما پژوهشگران اندکی به نقش فعال ترجمه‌ها در عرصه بین‌فرهنگی پرداخته‌اند. البته پیم تأکید می‌کند که ترجمه‌ها تنها عوامل تغییر فرهنگی نیستند و عوامل دیگری هم وجود دارند. از دیدگاه پیم، نظریه‌های سیستمی با تأکید خود بر فرهنگ مقصد نقش علی ترجمه‌ها را در عرصه بین‌فرهنگی نادیده می‌گیرند. پرسشی که پیم (۱۹۹۲) مطرح می‌کند این است که چگونه ترجمه‌های تحت سلطه فرهنگ مقصد می‌توانند نظام مقصد را تغییر دهند؟ و اگر همه‌چیز در فرهنگ مقصد است، چگونه چیزی می‌تواند آن را تغییر دهد؟

در سراسر کتاب کدکنی، این تأکید بر فرهنگ مبدأ بسیار واضح و پرنمود است تا جایی که در بخشی جداگانه با عنوان «سهم کشورهای اروپایی» در فصل «جای پای شعر فرنگی» بار دیگر تأثیر شعر فرنگی بر شعر فارسی را از مسیر و منظر دیگری بررسی می‌کند و با ذکر مثال

و سند به تأثیر ترجمه شعر از کشورها و زبان‌های مختلفی از جمله فرانسه، آلمان، ایتالیا و اسپانیا بر شعر معاصر فارسی می‌پردازد.

۴. ۵. توجه به جایگاه بین‌فرهنگی مترجمان

از نظر پیم (۱۹۹۲) مترجمان باید از فرهنگ مقصد فاصله بگیرند. مترجمان در درون یک فرهنگ نیستند، بلکه همیشه در مرز فرهنگ‌ها فعالیت می‌کنند و در نتیجه کار آن‌ها همیشه بین‌فرهنگی است. به گفته پیم (۱۹۹۸) اگر بناست که تاریخ ترجمه بر مترجمان تأکید کند، باید به بافت اجتماعی که مترجمان در آن کار و زندگی می‌کنند بپردازد. امروزه معمولاً بافت را با فرهنگ مقصد یکسان می‌پندارند، اما به زعم پیم نمی‌توان هویت مترجم را تنها با یک فرهنگ واحد شناسایی کرد. در واقع بسیاری از مترجمان در تقاطع فرهنگ‌ها یا آنچه که پیم آنرا بین‌فرهنگ می‌نامد، قرار دارند و صرفاً به یک فرهنگ واحد تعلق ندارند. در سراسر کتاب کدکنی هر جا به مترجمان و شاعرانی که به ترجمه شعر پرداخته‌اند، اشاره شده است، بافت زندگی اجتماعی آنان نیز مورد تحلیل قرار گرفته است و برخلاف بسیاری از کتب تاریخ ادبیات مشابه که صرفاً به تحلیل بافت اجتماعی و سیاسی زبان مقصد پرداخته‌اند، در این کتاب مترجمان و شاعران آشنا با اشعار فرنگی عمدتاً در فضایی بین‌فرهنگی تصویر شده‌اند و گزارشی مفصل از فعالیت‌ها و بافت زندگی اجتماعی آن‌ها به دست داده شده است.

۴. ۶. به‌کارگیری فرضیه‌ای روش‌شناختی که قابلیت رد و اثبات دارد

کدکنی (۱۳۹۰، ص. ۱۸) موضوع اصلی کتاب را «بازتاب ادبیات و شعر مغرب زمین در شعر نو فارسی» می‌داند. وی در مقدمه کتاب خویش اذعان می‌کند که «جمله درخشانی که در اغلب فصول این کتاب، صفحه به صفحه می‌گسترده این است که تمام تحولات و بدعت‌ها و بدایع شعر مدرن ایران تابعی است از متغیر ترجمه در زبان فارسی». (کدکنی، ۱۳۹۰، ص. ۲۵). در واقع این فرضیه‌ای است که کدکنی می‌کوشد با توسل به اطلاعات و اسناد گوناگون در کتاب خویش به اثبات آن بپردازد. این در صورتی است که این فرضیه قابلیت اثبات حتمی ندارد و نظریه غالب تحول شعر معمولاً مبتنی بر دوره‌بندی‌هایی است که از سبک خراسانی شروع شده و با سبک عراقی و اصفهانی ادامه پیدا می‌کند و بعد از آن سبک بازگشت مطرح

می‌شود و سپس شعر نو تولید می‌شود که برای دلیل وقوع آن براهین متفاوتی آورده شده است. برخی شعر نو را ادامه نوعی نثر مانند نثر تاریخ بیهقی میدانند. باور به شعرگونگی نثر بیهقی تا به آنجا پیش رفته که جعفر یاحقی در صدد گزینش بخش‌های شعرگونه نثر تاریخ بیهقی و چاپ آن به صورت کتاب شعر برآمده است.

فرضیه دیگری که مطرح شده این است که تحول شعر فارسی از دل تحولات خود نظام زبان فارسی و نظام ادبی و سیاسی برخاسته است. در این میان فرضیه‌ای نیز مطرح است که تحولات شعری جدید در زبان فارسی را مرهون ترجمه از زبان‌های غربی می‌داند اما غالباً در کتب مختلف نقد و تاریخ ادبیات این فرضیه صرفاً مطرح و بدون آوردن شواهد و مستندات کافی رها شده است. کدکنی ضمن مطرح کردن فرضیه اخیر، با آوردن مثال‌ها و مستندات گوناگون سعی در اثبات آن دارد.

۵. نتیجه‌گیری

بررسی موردی کتاب *با چراغ و آینه: در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران* نشان داد که روش تاریخ‌نگاری کدکنی در این کتاب در بسیاری از موارد به روش مورد نظر پیم نزدیک است. تنها در یک مورد یکی از کاستی‌های مورد نکوهش پیم در تاریخ‌نگاری کدکنی مشاهده شد و آن هم دوره‌بندی سیاسی و تقویمی در طبقه‌بندی‌های مختلف از جمله طبقه‌بندی مجلات ادبی بر اساس ادوار چهارگانه سیاسی بود.

کتابنامه

آلتون، ج. ر. (۱۳۸۶). *شیوه تاریخ‌نگاری*. ترجمه منصوره اتحادیه. تهران: تاریخ ایران.
شفیعی کدکنی، م. (۱۳۹۰). *با چراغ و آینه: در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران*. تهران: سخن.

Bandia, P.F. (2006). The Impact of Postmodern Discourse on the History of Translation. In G.L. Bastin, P.F. Bandia (Eds.). *Charting the future of Translation History*. Canada: University of Ottawa Press.

Bastin, G.L., Bandia, (2006). *Charting the future of Translation History*. Canada: University of Ottawa Press.

- D'hulst, L. (2001). "Why and How to Write Translation Histories?" In *Emerging Views on Translation History in Brazil*, ed. John Milton, Sao Paulo: Humanitas/FFLCH/USP, CROP 6, 21–32.
- López, P. O., & Pinilla, J. A. S. (2013). A Contribution towards the Historical Study of Translation: a Proposal for a Translation historiography Reader. <http://dx.doi.org/10.6035/MonTI.2013.5.3>
- Munslow, A. (2001). *Deconstructing History*. London & New York: Routledge
- Pym, A. (1992). Shortcomings in the Historiography of Translation, *Babel*, 4, 221-35
- Pym, A. (1998). *Method in Translation History*. Manchester: St. Jerome